

بررسی تاثیر هموارسازی سود بر اجتناب از مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

فاضل محمدی نوده^۱، مهرداد کاکاعلی صومعه سرایی^۲

^۱ استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی مهندسی مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران.

نام نویسنده مسئول:

مهرداد کاکاعلی صومعه سرایی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تاثیر هموارسازی سود بر اجتناب از مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. برای آزمون فرضیه های تحقیق، نمونه ای مشتمل بر ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ (۴۳۰ شرکت-سال) به روش غربالگری انتخاب و فرضیه ها با استفاده از تحلیل رگرسیون داده های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که هموارسازی سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری توسط مدیران شرکت های ایرانی صورت می گیرد و هموارسازی سود تاثیر منفی و معنی داری بر اجتناب مالیاتی دارد. همچنین نتایج نشان داد که هموارسازی سود بر اساس مدل اقلام تعهدی غیرعادی نسبت به مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها دارای محتوای اطلاعاتی بهتری در شناسایی اجتناب مالیاتی است.

واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی، هموارسازی سود، مدیریت سود، گزارشگری مالی.

مقدمه

هزینه های مالیاتی از جمله هزینه های عمده ای می باشند که افراد و بنگاه ها به موجب فعالیت های درآمدزای خود، متحمل می شوند. به دلیل آنکه پرداخت مالیات ثروت را از شرکت و مالکان آن به دولت منتقل می نماید، اغلب شرکت ها اقدامات مدیریتی خود را به گونه ای طراحی و اجرا می نمایند که تعهدات مالیاتی خود را حداقل نمایند (جهرومی، ۱۳۹۱). فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی از جمله فعالیت هایی است که ممکن است شرکت ها بوسیله آن سعی در کاهش مالیات نمایند (خانی و همکاران، ۱۳۹۲).

در ادبیات حسابداری، اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده، اجتناب مالیاتی به صورت "کاهش آشکار مالیات به ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات"، تعریف می گردد. طبق این تعریف تمام معاملاتی که بر بدهی مالیاتی آشکار شرکت اثر می گذارند در زمره اجتناب مالیاتی قرار می گیرند و بین فعالیت های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت های اجتنابی که به منظور کاهش مالیات انجام می شوند و لابی هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می شوند، تفاوتی قائل نمی شود. در بعد محدود، تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ریشه در قانونی بودن اقدامات مودیان دارد. فرار مالیاتی نوعی تخطی از قانون است. زمانیکه مؤدی از گزارش درآمد مشمول مالیات مربوط به کار یا سرمایه خود امتناع می نماید، دست به یک اقدام غیرقانونی می زند که وی را در معرض برخورد قانونی از جانب مراجع مالیاتی قرار می دهد. در مقابل، اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام می شود و مؤدی دلیلی برای نگرانی بابت کشف احتمالی اقدامات خویش ندارد (جهرومی، ۱۳۹۱). در واقع فرار مالیاتی نوعی تخلف و تخطی از قانون است، اما اجتناب مالیاتی استفاده از خلا قانونی و یا به تعبیری دیگر سوء استفاده رسمی از قوانین و معافیت ها و مشوق های قانونی است (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۲).

اجتناب مالیاتی بنا به دلایلی مانند وجود امتیاز ویژه در رفتار مالیاتی با فعالیتهای خاصی در مقابل اصول کلی وضع مالیات و کاستی هایی در قوانین و مقررات مالیاتی ممکن است برای مؤدیان فرصت استفاده از راه کارهای قانونی جهت کاهش و یا عدم انجام تعهد مالیاتی آنان فراهم آید. در این صورت مؤدی می تواند از طریق راه های قانونی اقدام به اجتناب از مالیات نماید (جهرومی، ۱۳۹۱). اما فرار مالیاتی مسئله ای است که می تواند بر اقتصاد کشور اثر گذار باشد، بدین صورت که توانایی دولت را در جمع آوری مالیات و برآوردن نیازهای بودجه ای کشور کاهش دهد. به واقع فرار مالیاتی باعث کاهش درآمدهای مالیاتی و به تبع سیاست های مالی دولت را با مشکل رو به رو می سازد (زهی و محمد خانی، ۱۳۸۹).

از طرفی سود به عنوان نتیجه نهایی فرآیند حسابداری و اصلی ترین منبع اطلاعاتی، مورد توجه و تاکید استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری است و ممکن است تحت تاثیر عوامل متعددی قرار بگیرد (خانی و همکاران، ۱۳۹۲). یکی از این عوامل هموارسازی سود است که عملی اختیاری و عمدی است و به منظور کاستن تغییر پذیری سود با استفاده از ابزارهای معین حسابداری توسط مدیریت صورت می گیرد (دارایی و همکاران، ۱۳۹۵).

سود گزارش شده می تواند تأثیری عمده بر مالیات داشته باشد. مدیریت هر ساله سود شرکت را برای دو هدف تهیه می نماید: از یک طرف با هدف گزارشگری مالی و مطابق با اصول پذیرفته شده و عمومی حسابداری و از طرف دیگر به منظور تعیین مالیات بر درآمد شرکت و مطابق با قانون مالیات های مستقیم. مطابق با تبصره ۲ ماده ۹۵ قانون مالیات های مستقیم در ایران، سود مشمول مالیات بر مبنای "استانداردهای حسابداری" و در نتیجه بر مبنای تعهدی تهیه می گردد (خانی و همکاران، ۱۳۹۲). علی رغم این مدیران، زمانی روش های انتخاب شده برای اهداف مالیاتی را برای گزارشگری مالی بکار می برند که منافع این کار، بیشتر از هزینه های آن باشد. از جمله منافع این کار اجتناب از رسیدگی های اضافی و جرایم احتمالی از طرف سازمان مالیاتی خواهد بود، نتیجه ی مد نظر قرار دادن منافع و هزینه های مذکور از سوی مدیریت به تفاوت بین سود قبل از مالیات گزارش شده در صورت سود و زیان و سود مشمول مالیات (تفاوت دفتری مالیات) می گردد (پودینه، ۱۳۹۵).

ادبیات پژوهش نشان می دهد که اجتناب مالیاتی به عنوان انگیزه ای برای مدیریت سود استفاده می شود (وانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). مطالعات تجربی نشان داده است که مدیران سود را مدیریت می کنند تا سود کمتری گزارش کرده و به تبع آن مالیات کمتری را بپردازند (دسای و همکاران، ۲۰۰۹؛ امیدو^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). این مکانیزم های اجتنابی مربوط به مالیات، موجب از دست دادن سود شده و مانع از توانایی دولت برای ایفای مسئولیت های اجتماعی و اقتصادی آن می گردد (تیلور^۳ و همکاران، ۲۰۱۲؛ امیدو و همکاران، ۲۰۱۹). چرا که یکی از دینفعانی که خود را در سود شرکت ها سهیم می داند، دولت می باشد و این سهم را از طریق مالیات مطالبه می کند که این سهم خواهی از سود در صورت سود و زیان ظاهر می شود (سروستانی، ۱۳۹۱). با توجه به پژوهش دسای و همکاران (۲۰۰۹)، مکانیزم های اجتناب

¹ Wang² Amidu³ Taylor

از مالیات، فرصت هایی را برای مدیران فرصت طلب فراهم می کند تا اهداف خود را دنبال کرده و سود را مدیریت کنند به گونه ای که منافع را بجای سهامداران، به سمت مدیران هدایت نمایند. بنابراین مدیرانی که سود را مدیریت می کنند احتمال بیشتری می رود که از پرداخت مالیات بیشتر اجتناب کنند (امیدو و همکاران، ۲۰۱۹).

شیبانی تذرجی و همکاران (۱۳۹۷) بیان می دارند که انگیزه شرکت برای اجتناب مالیاتی حداقل به دو طریق ممکن است تحت تأثیر مدیریت سود قرار گیرد. نخست آنکه، شبیه به اجتناب مالیاتی، مدیریت سود می تواند به شرکت ها در ایجاد و تقویت وجه نقد کمک نماید. دوم آنکه، مدیریت سود می تواند منجر به مدیریت سودها به سمت بالا گردیده و با افزایش وجه نقد و سود گزارش شده از این طریق، نیاز یک شرکت برای به انجام رساندن هدف ایجاد و تقویت وجه نقد از طریق فعالیت های اجتناب مالیاتی را به احتمال زیاد کاهش می دهد.

لذا مساله اصلی این پژوهش این است که آیا هموارسازی سود بر اجتناب از مالیات در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران تاثیر دارد؟ آیا مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها به عنوان نوعی ابزار هموارسازی سود قادر به تشخیص اجتناب مالیاتی در شرکت های مذکور می باشد یا خیر؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هموار سازی سود

هموار سازی سود به رفتار آگاهانه ای اطلاق می شود که به منظور کاهش نوسان های دوره ای سود کل شکل می گیرد. به گونه ای که سود شرکت عادی به نظر برسد. پژوهشگران عموماً بر این باورند که سرمایه گذاران ترجیح می دهند در شرکت هایی سرمایه گذاری کنند که از یک روند سود آوری ثابت برخوردار باشند. سرمایه گذاران معتقدند شرکت هایی که سودهای پر نوسانی را گزارش می کنند دارای ریسک بیشتری نسبت به شرکت هایی که سودهای هموار گزارش می کنند، هستند. به همین خاطر مدیران به منظور نشان دادن تصویری با ثبات از روند سود آوری و کسب بازده بالا در چهارچوب انعطاف پذیر اصول پذیرفته شده حسابداری به هموار سازی سود دست می زنند، هدف دیگر هموار سازی سود تمایل مدیریت واحد تجاری برای افزایش قدرت پیش بینی سرمایه گذاران و کاهش ریسک شرکت می باشد. اهمیت دادن به درآمد و سود حسابداری گزارش شده، یک فرضیه ای وجود دارد که مدیران جستجو می کند که سود را در طی تمام دوره هموار نمایند، بطوریکه جریان سود ثابت بیشتر با واریانس سالانه کمتر منتهی به ارزش گذاری بالاتر شرکت می شود. در برخی موارد این بحث پیشنهاد می گردد که یک بازار سهام طبیعی نمی تواند داده های حسابداری را بطور صحیح شرح دهد (دارایی و همکاران، ۱۳۹۵).

هموارسازی سود یک هدف روشن دارد و آن ایجاد جریان رشد ثابت در سود است. وجود این نوع دستکاری نیازمند آن است که شرکت سود زیادی داشته باشد تا بتواند ذخایر لازم را برای منظم کردن جریانها، در هنگام نیاز تامین کند. به طور کلی هدف آن، کاهش تغییرات سود است. به دلیل افزایش ثبات سود و کاهش نوسانات آن سرمایه گذاران می توانند پیش بینی دقیق تری از سودهای آتی داشته باشند. از اهداف دیگر هموار سازی سود می توان به ملاحظات هزینه های سیاسی، مالیات و قرار دادهای بدهی اشاره نمود (دارایی و همکاران، ۱۳۹۵).

هپ ورث^۴ (۱۹۵۳) اولین کسی بود که پیشنهاد هموارسازی سود را به عنوان یک موضوع حسابداری مطرح نمود. وی تاکید می کرد که در اصول پذیرفته شده حسابداری، آزادی بسیاری در تعبیر و تفسیر روش های تعیین سود دوره ای وجود دارد. این آزادی اجازه می دهد تا مدیریت نسبت به هموار سازی سود اقدام نماید. تکنیک های حسابداری مطرح شده توسط هپ ورث برای هموار سازی عبارت است از دستکاری در درآمد، به منظور انتقال در آمد به سال های آتی با روش قیمت گذاری موجودی ها، روش محاسبه استهلاک و دارای های نامشهود. پژوهش و مطالعه هپ ورث در زمینه هموارسازی سود به عنوان اولین دیدگاه حایز اهمیت است و در اکثر مطالعات مورد توجه قرار گرفته است.

اجتناب مالیاتی

برای درک بهتر مسائل پیرامون اجتناب از مالیات، ابتدا مفاهیم برنامه ریزی مالیاتی، اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی به صورت خلاصه تشریح، تفاوت ها و شباهت های بین آنها بیان می شود و سپس به صورت تفصیلی به مبحث اجتناب از مالیات پرداخته خواهد شد. هدف هر مودی مالیات، کاهش بدهی مالیاتی اش است. برای دستیابی به این هدف، مودی ممکن است سه روش زیر را انجام دهد (خانی و همکاران، ۱۳۹۳):

⁴ Hepworth

- برنامه ریزی مالیاتی
- فرار مالیاتی
- اجتناب از مالیات

۱. برنامه ریزی مالیاتی

هدف برنامه ریزی مالیاتی ترتیب دادن تلاش های مالی در جهت کاهش مالیات است. در برنامه ریزی مالیاتی توسط سه روش اساسی: ۱- گرفتن یک کسری یا تخفیف، ۲- معافیت مالیاتی و ۳- پرداخت بخشی از بدهی مالیاتی توسط انجام یک فعالیت در ازای آن، کاهش مالیات انجام می شود. در واقع، برنامه ریزی مالیاتی در شرکت باعث تشویق پس انداز و صرفه جویی می شود. این صرفه جویی و پس انداز میتواند از طریق سرمایه گذاری در اوراق بهادار دولتی و یا تغییر محل اقامت به یک پناهگاه مالیاتی انجام گیرد. پناهگاه مالیاتی، منطقه یا کشوری است که نرخ مالیات در آن پایین تر است (اگراوال^۵، ۲۰۰۷؛ خانی و همکاران، ۱۳۹۳).

۲. فرار مالیاتی

فرار از مالیات یک واژه کلی برای تلاش های افراد حقیقی، شرکت ها و سازمانها، اتحادیه ها و غیره برای نپرداختن مالیات به صورت غیرقانونی است. فرار مالیاتی یعنی مودی مالیات به صورت عمدی صورت های مالی و اطلاعات درست را پنهان کند یا گزارش های مالی را به صورت نادرست به مقام مالیاتی برای کاهش بدهی مالیاتی ارائه نماید. هر روش غیرقانونی که باعث کاهش بدهی مالیاتی شود فرار مالیاتی محسوب می شود. پنهان کردن درآمد یا اظهار آن کمتر از واقعیت، اظهار بیشتر از واقعیت هزینه ها، تحریف مقادیر و نقض قوانین از جمله راه های فرار از مالیات محسوب می شوند (اگراوال، ۲۰۰۷).

۳. اجتناب از مالیات

منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات های پرداختی است. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است (هانلون^۶ و همکاران، ۲۰۱۰). اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است (اگراوال، ۲۰۰۷). اجتناب از مالیات مشابه برنامه ریزی مالیاتی است و قبل از افزایش بدهی مالیاتی انجام می شود در حالیکه فرار از مالیات یک تقلب آشکار است و بعد از اینکه بدهی مالیاتی افزایش یابد انجام می شود. اجتناب از مالیات با سوءنیت همراه است، اما طبق قوانین انجام می شود و مجازاتی به دنبال ندارد در حالیکه فرار از مالیات یک روش غیرقانونی است و ممکن است منجر به مجازات شود. اجتناب از مالیات به وسیله بکارگیری مزایای روزنه و خلاءهای موجود در قوانین انجام می شود، در حالیکه فرار از مالیات به وسیله بکارگیری روش های غیرمنصفانه انجام می شود. در انتها لازم به ذکر است که اجتناب از مالیات از یک روش قانونی برای کاهش مالیات استفاده می کند، در حالیکه فرار از مالیات از یک روش غیرقانونی برای کاهش مالیات استفاده می کند (خانی و همکاران، ۱۳۹۳).

پیشینه پژوهش

مطالعات تجربی در مورد هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. با این حال به برخی از مهم ترین مطالعات داخلی و خارجی اشاره می گردد:

امیدو و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهش خود تحت عنوان "قیمت گذاری انتقالی، مدیریت سود و اجتناب مالیاتی شرکت ها در غنا"، مجموعه داده های پانل طی سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ را استفاده نمودند تا ارتباطات پیچیده بین سه متغیر کلیدی قیمت گذاری انتقالی، مدیریت سود و اجتناب از مالیات را در ارتباط با عدم تعادل مالیات بر قیمت انتقال شناسایی نمایند. نتایج آن ها نشان می دهد که تقریباً تمام شرکت های نمونه در برخی از انواع استراتژی های قیمت گذاری انتقالی و دستکاری سود برای جلوگیری از مالیات در طول سال های ۲۰۰۸-۲۰۱۵ مشغول به کار هستند. نتایج آن ها نشان داد که مدیریت سود تاثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. از طرفی نتایج کلی پژوهش آن ها نشان داد که حساسیت اجتناب مالیاتی به قیمت گذاری انتقالی تغییر می کند زیرا شرکت ها مدیریت سود خود را افزایش می دهند.

وانگ و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهش خود تحت عنوان "انگیزه های اجتناب مالیاتی در مدیریت سود"، طی سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۶ با بررسی مجموعه ای از شرکت های چینی، رابطه مثبت و معناداری را بین مدیریت سود تعهدی و اجتناب مالیاتی تایید نمودند و بیان

⁵ Agrawal

⁶ Hanlon

کردند که عملکرد بلند مدت شرکت این رابطه مثبت را ضعیف می کند. به طور خاص، برای شرکت های حمایت شده از دولت، عملکرد کسب و کار آنها اثر کمی بر انگیزه مدیریت سود دارد.

شیبانی تدریجی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران"، با استفاده از نمونه ای شامل ۷۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر فعالیت های اجتناب مالیاتی آن است. علاوه بر این ارتباط مثبت بین تمرکز مشتری و اجتناب از مالیات، زمانی برجسته تر است که شرکت کمتر در مدیریت سود واقعی درگیر شود. به عبارت دیگر، شرکت های با مشتریان عمده که در مدیریت سود واقعی درگیر هستند، کمتر احتمال دارد در اجتناب مالیاتی درگیر شوند که این با اثر جایگزینی بین مدیریت سود واقعی و اجتناب از مالیات سازگار است.

حیدریور و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود تحت عنوان "تأثیر هموارسازی بر درآمد مشمول مالیات تعیین شده توسط جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی" با استفاده از نمونه ای شامل ۲۷۲ شرکت از شرکت هایی که در سال های ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته و جزء شرکتهای سرمایه گذاری و واسطه گرهای مالی و بانکها نبوده اند به عنوان جامعه آماری انتخاب نمودند. اطلاعات مالی آنها از صورتهای مالی موجود استخراج و براساس شاخص ایکل ۱۵۱ شرکت هموارساز سود و ۱۲۱ شرکت غیرهموارساز شناسایی نمودند. نتایج پژوهش حاصل از ضریب همبستگی بین سود ابرازی و درآمد مشمول مالیات تعیین شده در شرکت های هموارساز سود و غیر هموارساز سود و از طریق آزمون مقایسه ضریب همبستگی در دو جامعه مشخص کرد تفاوت معنی داری بین دو ضریب همبستگی وجود ندارد.

پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵)، در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی انگیزه های هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار"، به بررسی ارتباط بین اندازه شرکت، مالیات بر درآمد، نسبت بدهی به کل دارایی ها، انحراف در فعالیتهای عملیاتی و تغییرپذیری سود با هموارسازی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند و بیان نمودند که مالیات بر درآمد و انحراف در فعالیتهای عملیاتی از جمله انگیزه های مهم برای هموارسازی سود در شرکتهای ایرانی شناخته شدند و اندازه شرکت، نسبت بدهی به کل داراییها (قراردادهای بدهی) و نوسان پذیری سود در رابطه با شرکتهای ایرانی مورد تأیید قرار نگرفته اند.

روش تحقیق

طرح پژوهش حاضر از نظر روش، در زمره پژوهش های توصیفی-همبستگی با رویکرد رگرسیونی و از نظر هدف، در زمره پژوهش های کاربردی جای می گیرد و به دلیل استفاده از اطلاعات گذشته شرکت ها پس رویدادی است. این پژوهش با توجه به عدم امکان کنترل کلیه متغیرهای مربوط نمی تواند از نوع پژوهش های تجربی محض باشد اما با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته، این پژوهش از نوع پژوهش های شبه تجربی است. در این پژوهش، گردآوری اطلاعات در دو مرحله انجام شده است: در مرحله نخست برای تدوین مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه ای و در مرحله دوم، برای گردآوری داده های مورد نظر از صورتهای مالی شرکت ها و ضامثم، قابل دسترسی از سایت کدال و نرم افزار رهاورد نوین استفاده شده است. ابزار گردآوری داده های نظری نیز منابع علمی و پژوهشی خارجی و داخلی موجود و در دسترس می باشد. پس از استخراج داده های مورد نیاز در ستون های Excel، با استفاده از نرم افزار Eviews8 به آزمون و تحلیل و تفسیر نتایج جهت تصمیم گیری در خصوص فرضیات پژوهش پرداخته شده است.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ می باشد. بر این اساس انتخاب نمونه از میان شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با در نظر گرفتن معیارهای زیر به روش غربالگری انجام شده است:

- شرکت مورد نظر از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۶ عضو بورس اوراق بهادار تهران باشد.
- جزء شرکتهای سرمایه گذاری، واسطه گری، بیمه و بانک نباشند؛ زیرا ماهیت مدیریت، فعالیت ها و گزارشگری مالی در آنها متفاوت است.
- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان دوره مالی آن ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
- اطلاعات مالی شرکت در دوره ی مورد مطالعه در دسترس باشد.
- با توجه به شرایط فوق تعداد ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ (۴۳۰ شرکت-سال) به روش غربالگری انتخاب گردید.

فرضیه های پژوهش

مطابق با بیان مساله و پیشینه پژوهش مطرح شده، فرضیات پژوهش حاضر به شرح زیر بیان شده است:

فرضیه اول: هموارسازی سود تاثیر مثبت و معنی داری بر اجتناب مالیاتی دارد.

فرضیه دوم: مدل تشخیصی هموارسازی سود-اقدام تعهدی غیرعادی در مقایسه با مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها دارای محتوای اطلاعاتی مربوط تر و بیشتر در شناسایی اجتناب مالیاتی است.

مدل های مورد استفاده جهت آزمون فرضیه ها

مدل های مورد استفاده در این پژوهش، مدل رگرسیون خطی چندگانه بر مبنای مطالعه آمیدو^۷ و همکاران (۲۰۱۹) و بهرامی و همکاران (۱۳۹۲) به شرح زیر طراحی شده است:

جهت آزمون فرضیه اول:

$$TS_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SMOOTHING_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 ROA_{it} + \alpha_4 LOSS_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۱}$$

جهت آزمون فرضیه دوم:

$$TS_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SMOOTHING_{it} + \alpha_2 SMOOTHINGDOWN_{it} + \alpha_3 SMOOTHINGUP_{it} + \alpha_4 SIZE_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 LOSS_{it} + \alpha_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۲}$$

که در آن:

متغیر وابسته

$TS_{i,t}$: اجتناب از مالیات شرکت i در سال t بر اساس مدل دسای-دارماپالا (۲۰۰۶)

متغیرهای مستقل

$SMOOTHING_{it}$: هموارسازی سود با استفاده از اقدام تعهدی غیرعادی بر اساس مدل جونز تعدیل شده

$SMOOTHINGDOWN_{it}$: هموارسازی سود رو به پایین بر اساس مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها

$SMOOTHINGUP_{it}$: هموارسازی سود رو به بالا بر اساس مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها

متغیرهای کنترلی

$SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت که برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت i در پایان سال t

$ROA_{i,t}$: بازده دارایی ها که برابر است با نسبت سود خالص به مجموع دارایی های شرکت i در پایان سال t

$LEV_{i,t}$: اهرم مالی که برابر است با نسبت مجموع بدهی ها بر مجموع کل دارایی های شرکت i در پایان سال t

$LOSS_{i,t}$: زیان شرکت i در سال t . این متغیر مجازی به این صورت محاسبه می شود: اگر شرکت i در سال جاری و یا در دو سال قبل زیان کرده باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.

ε_{it} : جملات پسماند رگرسیون

در ادامه نحوه محاسبه هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی شرح داده شده است:

نحوه محاسبه اندازه گیری اجتناب مالیاتی

معیارهای مختلفی برای اندازه گیری اجتناب از مالیات وجود دارد، بسته به نوع پژوهش باید این معیارها انتخاب و بکار گرفته شوند (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر بر مبنای روش دسای-دارماپالا (۲۰۰۶) تفاوت حسابداری-مالیاتی بر روی اقدام تعهدی کل رگرسیون می شود و جملات پسماند رگرسیون به عنوان اجتناب از مالیات مطرح می شود. روابط مطرح شده به شرح زیر است:

$$BTD_{it} = \beta_1 TA_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۳}$$

⁷ Kim

$$TS_{it} = \varepsilon_{it}$$

رابطه ۴

که در روابط فوق:

 $BTD_{i,t}$: تفاوت مالیاتی-حسابداری شرکت i در سال t که از رابطه ۵ بدست می آید:

$$BTD_{i,t} = \frac{\text{سود مشمول مالیات - سود قبل از مالیات}}{\text{کل دارایی ها}}$$

رابطه ۵

در رابطه ۵ برای محاسبه تفاوت مالیاتی-حسابداری، سود حسابداری از سود مشمول مالیات شرکت کسر می شود و به منظور همگن سازی، در نهایت بر کل دارایی ها تقسیم می گردد. اختلاف بین اصول و قواعد حاکم بر حسابداری مالی و حسابداری مالیاتی موجب تفاوت سود حسابداری با سود مشمول مالیات می گردد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۲). در تئوری های حسابداری و قوانین مالیاتی وجود اختلاف بین استانداردهای حسابداری به عنوان مبنای محاسبه سود حسابداری با قوانین مالیاتی حاکم بر تعیین سود مشمول مالیات طبیعی بوده و با پذیرش این اختلاف نسبت به ارائه راه حل اقدام می گردد (کرباسی یزدی و همکاران، ۱۳۹۲). لازم به ذکر است که سود مشمول مالیات از طریق تقسیم هزینه مالیات شرکت بر نرخ قانونی مالیات که برابر با ۲۲٫۵ درصد است، محاسبه می گردد (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین سود قبل از مالیات از صورتحساب سود و زیان قابل استخراج خواهد بود.

$TA_{i,t}$: اقلام تعهدی کل شرکت i در سال t که برابر است با تفاوت میان سود خالص و جریان نقد حاصل از عملیات تقسیم بر دارایی کل شرکت i در سال t

 ε_{it} : جملات پسماند رگرسیون که برابر است با اجتناب از مالیات شرکت i در سال t

نحوه محاسبه هموار سازی سود بر اساس مدیریت سود تعهدی

در این پژوهش از مدل جونز تعدیل شده برای برآورد مجموع اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری از هموارسازی سود استفاده شده است (دجو و همکاران^۸، ۱۹۹۵؛ کوتاری و همکاران^۹، ۲۰۰۵):

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta SALES_{it} - \Delta RECEIVABLE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۶}$$

که در آن:

 TAC_{it} : مجموع اقلام تعهدی شرکت i ام در سال t که برابر است با سود خالص منهای جریان نقد حاصل از عملیات

 TA_{it-1} : مجموع دارایی های شرکت i ام در شروع سال t
 $\Delta SALES_{it}$: تغییرات فروش شرکت i ام در سال t ام

 $\Delta RECEIVABLE_{it}$: تغییرات حساب های دریافتنی تجاری در سال t نسبت به سال $t-1$ ام

 PPE_{it} : خالص دارایی های ثابت مشهود شرکت i در سال t ام

 ROA_{it} : بازده دارایی کل شرکت i در سال t که برابر است با سود خالص تقسیم بر کل دارایی ها در سال جاری

 ε_{it} : باقیمانده مدل که برابر است با اقلام تعهدی اختیاری (هموارسازی سود) شرکت i در سال t

در مدل ۶ برای استاندارد شدن متغیرها، همه متغیرهای مدل بر جمع کل دارایی های ابتدای سال تقسیم شده اند (حبیب و همکاران، ۲۰۱۱؛ مقدم و همکاران، ۱۳۹۱).

نحوه محاسبه هموارسازی سود رو به بالا-پایین بر اساس مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها

بر طبق پژوهش بهرامی و همکاران (۱۳۹۲)، مدیریت سود رو به بالا و رو به پایین مطابق زیر محاسبه شده است:

هموارسازی سود رو به بالا: در صورتی که در سال مذکور، تغییر در حاشیه سود، مثبت و تغییر در گردش دارایی های منفی باشد و در سال گذشته مدیریت سود رو به پایین وجود نداشته باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار صفر را اختیار می کند.

⁸ Dechow et al.

⁹ Kothari et al.

رابطه ۷

$$SMOOTHINGUP_{it} = 1 \forall \Delta PM_{it} > 0, \Delta ATO_{it} < 0, SMOOTHINGDOWN \neq 1, \& = 0, Otherwise$$

هوارسازی سود رو به پایین: در صورتی که در سال مذکور، تغییر در حاشیه سود، منفی و تغییر در گردش دارایی های مثبت باشد و در سال گذشته مدیریت سود رو به بالا وجود نداشته باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار صفر را اختیار می کند.

رابطه ۸

$$SMOOTHINGDOWN_{it} = 1 \forall \Delta PM_{it} < 0, \Delta ATO_{it} > 0, SMOOTHINGUP \neq 1, \& = 0, Otherwise$$

در روابط فوق:

$$\Delta PM_{it} = PM_{it} - PM_{it-1} \quad \text{رابطه ۹}$$

 ΔPM_{it} : تغییر در حاشیه سود PM_{it} : میزان حاشیه سود (نسبت سود عملیاتی به فروش)

$$\Delta ATO_{it} = ATO_{it} - ATO_{it-1} \quad \text{رابطه ۱۰}$$

 ΔATO_{it} : تغییر در گردش دارایی ها ATO_{it} : گردش دارایی ها

یافته های پژوهش

جدول شماره ۱ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای^{۱۰} پژوهش را نشان می دهند که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا می باشد. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص های پراکندگی نظیر واریانس، چولگی و کشیدگی است.

جدول شماره ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر آماره	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	تعداد شرکت ها
اجتناب مالیاتی	۱,۱۲E-۱۰	-۰,۰۰۰۸	۰,۰۷۰۰	-۰,۰۳۸۸	۰,۰۱۰۲	۰,۹۵۲۴	۹,۰۰۲۲	۴۳۰
هموارسازی سود رو به بالا مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها	۰,۱۴۶۵	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۳۵۴۰	۱,۹۹۹۲	۴,۹۹۷۰	۴۳۰
هموارسازی سود رو به پایین مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها	۰,۱۹۳۰	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۳۹۵۱	۱,۵۵۵۶	۳,۴۱۹۹	۴۳۰
هموارسازی سود (اقدام تعهدی غیرعادی)	-۱۱ -۵,۵۸E	-۰,۰۰۱۷	۰,۳۶۹۳	-۰,۳۹۰۰	۰,۰۹۴۴	-۰,۰۱۱۳	۵,۳۸۲۱	۴۳۰
اندازه شرکت	۶,۳۰۴۶	۶,۱۴۹۹	۸,۵۳۲۵	۵,۱۶۹۰	۰,۶۶۵۶	۱,۰۹۰۲	۳,۸۴۷۶	۴۳۰
بازده دارایی ها	۰,۱۳۱۷	۰,۱۱۲۳	۰,۸۱۰۹	-۰,۳۷۰۲	۰,۱۵۳۴	۰,۷۳۷۳	۵,۰۱۷۱	۴۳۰
زیان شرکت	۰,۱۱۶۲	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۳۲۰۹	۲,۳۹۴۰	۶,۷۳۱۵	۴۳۰
اهرم مالی	۰,۵۷۹۱	۰,۵۷۶۲	۱,۵۶۵۵	۰,۱۰۸۴	۰,۲۰۴۴	۰,۳۵۷۵	۳,۸۸۲۴	۴۳۰

مهمترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال میانگین متغیر اندازه شرکت برابر با ۶/۳۰۴ می باشد، که نشان می دهد بیشتر داده های مربوط به این متغیر

^{۱۰}. متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال برآورد شده اند.

حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه یکی از شاخص های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می دهد. همانگونه که در جدول (۱) مشاهده می شود میانه متغیر اجتناب مالی برابر با ۰/۰۰۰۸- می باشد که نشان می دهد نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. از جمله مهمترین پارامترهای پراکندگی انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر اندازه شرکت برابر ۰/۶۶ و برای متغیر اجتناب مالی برابر ۰/۱۰۲ است که نشان می دهد در بین متغیرهای پژوهش، متغیر اندازه شرکت و متغیر اجتناب مالیاتی به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی می باشند. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. میزان کشیدگی منحنی فراوانی نسبت به منحنی نرمال استاندارد را برجستگی یا کشیدگی می نامند. اگر کشیدگی حدود صفر باشد، منحنی فراوانی از لحاظ کشیدگی وضعیت متعادل و نرمال خواهد داشت، اگر این مقدار مثبت باشد منحنی برجسته و اگر منفی باشد منحنی پهن می باشد. کشیدگی تمامی متغیرهای این مدل مثبت است.

آزمون های پیش فرض مدل های رگرسیونی

۴. آزمون هم خطی

برای بررسی وجود یا عدم وجود هم خطی میان متغیرهای مستقل پژوهش از تحلیل همبستگی استفاده شده است که اینکار با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون انجام می شود. با توجه به جدول ۲ مشخص گردید که ضریب هم بستگی خیلی زیاد یا خیلی کم، نزدیک به (+۱ و -۱) که نتایج تحلیل رگرسیون را تحت تأثیر قرار دهد وجود ندارد. در نتیجه هم خطی ای بین متغیرهای پژوهش مشاهده نمی شود.

جدول (۲): ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل

LEV	LOSS	ROA	SIZE	SMOOTHING	SMOOTHINGDOWN	SMOOTHINGUP	TS	
							۱/۰۰۰ (۰,۰۰۰)	TS
						۱/۰۰۰ (۰,۰۰۰)	-۰/۰۴۶۷ (۰/۳۳۳)	SMOOTHINGUP
					۱/۰۰۰ (۰,۰۰۰)	-۰/۲۰۲۶ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۱۷۹ (۰/۷۱۰۶)	SMOOTHINGDOWN
				۱/۰۰۰ (۰,۰۰۰)	-۰/۰۵۴۳ (۰/۲۶۱۲)	۰/۱۲۰۳ (۰/۰۱۲۵)	-۰/۱۷۷۰ (۰/۰۰۰۲)	SMOOTHING
			۱/۰۰۰ (۰,۰۰۰)	۰/۰۳۰۳ (۰/۵۲۹۹)	۰/۰۰۴۱ (۰/۹۳۱۷)	۰/۰۸۰۴ (۰/۰۹۵۸)	-۰/۰۰۷۵ (۰/۸۷۵۲)	SIZE
		۱/۰۰۰ (۰,۰۰۰)	۰/۳۶۹۹ (۰/۰۰۰)	۰/۰۲۳۶ (۰/۶۲۵۵)	-۰/۰۰۳۷ (۰/۹۳۸۸)	۰/۰۹۱۹ (۰/۰۵۶۷)	۰/۲۱۴۹ (۰/۰۰۰)	ROA
	۱/۰۰۰ (۰,۰۰)	-۰/۵۳۳۴ (۰,۰۰۰)	-۰/۱۵۴۱ (۰/۰۰۳)	۰/۰۲۹۰ (۰/۵۴۷۶)	-۰/۰۱۱۹ (۰/۸۰۴۵)	-۰/۰۶۸۲ (۰/۱۵۷۹)	-۰/۰۳۷۲ (۰/۴۴۱۶)	LOSS
۱/۰۰۰ (۰,۰۰)	۰/۳۴۲۴ (۰/۰۰)	-۰/۶۴۴۹ (۰/۰۰)	-۰/۱۶۳۷ (۰/۰۰)	-۰/۰۰۱۲ (۰/۹۷۹۹)	۰/۰۰۲۲ (۰/۹۶۳۲)	-۰/۰۲۷۹ (۰/۵۶۳۴)	-۰/۱۴۰۶ (۰/۰۰۳۵)	LEV
منبع: یافته های پژوهش								

۵. بررسی نرمال بودن خطاها

به منظور آزمون نرمال بودن جمله خطا از آماره جار کوپرا استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن جمله خطا در هر دو مدل پژوهش رد می شود. زمانی که نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن به

طور معمول بی اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه حد مرکزی می توان دریافت که حتی اگر باقیمانده ها نرمال نباشند، آماره های آزمون به طور مجانبی از توزیع نرمال پیروی می کنند، بدون تورش هستند و از کارایی برخوردارند (رازقی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به این مطالب می توان فرض نرمال بودن جمله خطا را نادیده گرفت.

جدول (۳): نتایج آزمون نرمال بودن پسماند

فرضیه ها	روش	مقدار	احتمال
فرضیه اول	Jarque-Bera	۱۴/۹۴۳۰	۰/۰۰۰۵۶
فرضیه دوم	Jarque-Bera	۱۵/۱۱۲۵	۰/۰۰۰۵۲۳

منبع: یافته های پژوهش

۶. آزمون همسانی واریانس خطاها

جدول ۴ نتایج حاصل از ناهمسانی واریانس مدل های پژوهش را نشان می دهد. با توجه به نتایج جدول ۴ از آنجائیکه P-value آزمون ناهمسانی واریانس، بزرگتر از ۰/۰۵ است؛ در نتیجه فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس ها پذیرفته می شود.

جدول (۴): نتایج آزمون همسانی واریانس بارتلت

فرضیه	روش	مقدار	احتمال
فرضیه اول	Bartlett	۷/۰۳۰۷	۰/۰۷۰۹
فرضیه دوم	Bartlett	۷/۳۳۸۷	۰/۰۶۱۸

منبع: یافته های پژوهش

۷. آزمون عدم خود همبستگی مرتبه دوم جملات خطا

برای بررسی استقلال باقیمانده ها از آزمون خود همبستگی دوربین واتسون استفاده شده است. با توجه به اینکه آماره به دست آمده در بازه ۱،۵ الی ۲،۵ قرار دارد بنابراین می توان گفت که بین جملات باقیمانده مدل های اول و دوم خود همبستگی وجود ندارد.

تعیین نوع برآورد مدل های پژوهش

قبل از تخمین مدل ها لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص شود. برای این منظور از آزمون F لیمر استفاده شده است. طبق جدول ۵، احتمال F لیمر برای مدل های پژوهش بیشتر از ۵٪ می باشد. بنابراین برای تخمین این مدل ها از روش تلفیقی استفاده می شود.

جدول (۴): نتایج آزمون F لیمر مدل های پژوهش

فرضیه ها	آماره	مقدار	P-Value	نتیجه آزمون
فرضیه اول	F لیمر	۰/۷۲۳۱	۰/۹۶۳۳	pooled
	Chi-square(χ^2)	۷۱/۶۵۲۶	۰/۸۴۸۷	
فرضیه دوم	F لیمر	۰/۷۲۶۰	۰/۹۶۱۵	pooled
	Chi-square(χ^2)	۷۲/۳۰۶۲	۰/۸۳۵۲	

منبع: یافته های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول این پژوهش بیانگر تاثیر مثبت و معنی دار هموارسازی سود بر اجتناب مالیاتی می باشد. جدول (۵) نتایج حاصل از برآورد مدل مذکور را با استفاده از نرم افزار Eviews8 به روش داده های تلفیقی نشان می دهد:

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه اول

$TS_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SMOOTHING_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 ROA_{it} + \alpha_4 LOSS_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	P-value
عرض از مبدا	۰,۰۰۱۱۸۵	۰,۰۰۲۶۳	۰,۴۴۹۹۳	۰,۶۵۳۰
هموارسازی سود بر اساس مدل اقلام تعهدی غیرعادی	-۰,۰۱۹۲	۰,۰۰۲۱۱	-۹,۰۹۱۲۹	۰,۰۰۰۰
اندازه شرکت	-۰,۰۰۰۳۸	۰,۰۰۰۳۹	-۰,۹۷۰۹۳	۰,۳۳۲۱
بازده دارایی ها	۰,۰۰۰۹۸	۰,۰۰۲۶۸	۳,۶۸۲۷	۰,۰۰۰۳
زیان شرکت	۰,۰۰۰۲۲	۰,۰۰۰۵۸	۳,۸۷۸۸	۰,۰۰۰۱
اهرم مالی	-۹,۷۴E-۰۵	۰,۰۰۱۴۲	-۰,۰۶۸۳۳	۰,۹۴۵۶
ضریب تعیین	۰/۲۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده		
آماره دوربین واتسون	۱/۶۲۹	آماره F	۲۱/۳۰۹۶	احتمال آماره F
				۰/۰۰۰

منبع: یافته های پژوهش

همانگونه که نتایج مندرج در جدول (۵) نشان می دهد، P-value محاسبه شده برای متغیر هموارسازی سود (مدل اقلام تعهدی غیرعادی) کمتر از سطح خطای پنج درصد و ضریب برآورد شده این متغیر منفی می باشد؛ در نتیجه می توان اظهار داشت که هموارسازی سود اثر منفی و معنی داری بر اجتناب مالیاتی دارد؛ به علاوه نتایج نشان داد که از بین متغیرهای کنترلی، بازده دارایی ها و زیان شرکت اثر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارند. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده ۱۹ درصدی می توان گفت که ۱۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائیکه آماره دوربین- واتسون این مدل بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد (۱/۶)، می توان گفت که در این مدل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد (تأیید یکی از مفروضات رگرسیون). به علاوه نتایج نشان می دهد که p-value آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می دهد در نتیجه می توان گفت این مدل با احتمال ۹۵٪ معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. با این تفاسیر فرضیه اول این پژوهش پذیرفته نمی شود.

نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم بیانگر این است که مدل تشخیصی هموارسازی سود- اقلام تعهدی غیرعادی در مقایسه با مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها دارای محتوای اطلاعاتی مربوط تر و بیشتر در شناسایی اجتناب مالیاتی می باشد. جدول (۶) نتایج حاصل از برآورد مدل مذکور را با استفاده از نرم افزار Eviews8 به روش داده های تلفیقی نشان می دهد:

جدول (۶): نتایج تخمین فرضیه دوم

$TS_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SMOOTHING_{it} + \alpha_2 SMOOTHINGDOWN + \alpha_3 SMOOTHINGUP + \alpha_4 SIZE_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 LOSS_{it} + \alpha_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	P-value
عرض از مبدا	۰,۰۰۱۴۳۱	۰,۰۰۲۶۱۷	۰,۵۴۶۷۸	۰,۵۸۴۸
هموارسازی سود بر اساس مدل اقلام تعهدی غیرعادی	-۰,۰۱۹۶۰۵	۰,۰۰۲۲۶	-۸,۶۷۴۱	۰,۰۰۰۰
هموارسازی سود رو به پایین / مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها	-۰,۰۰۰۳۹۸	۰,۰۰۰۵۱۶	-۰,۷۷۲۱	۰,۴۴۰۵
هموارسازی سود رو به بالا / مدل حاشیه سود-گردش دارایی ها	-۰,۰۰۰۴۵۵	۰,۰۰۰۶۴۵	-۰,۷۰۵۰۷	۰,۴۸۱۲
اندازه شرکت	-۰,۰۰۰۴۰۹	۰,۰۰۰۳۹۳	-۱,۰۴۱۳۸	۰,۲۹۸۳
بازده دارایی ها	۰,۰۱۰۳۰۴	۰,۰۰۲۷۲	۳,۷۸۸۲۳	۰,۰۰۰۲

۰,۹۷۲۴	-۰,۰۳۴۵۷	۰,۰۰۱۴۸۹	-۵,۱۵E-۰۵	اهرم مالی
۰,۰۰۰۱	۳,۹۱۳۵۸	۰,۰۰۰۶۰	۰,۰۰۲۳۵۰	زبان شرکت
۰/۱۸۵	ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۱۹۸
۰/۰۰۰	احتمال آماره F	۱۴/۹۲۷۹	آماره F	۱/۶۲۸

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه دوم در جدول ۶ ارائه شده است. بر این اساس، تأثیر هموارسازی سود بر اساس مدل اقلام تعهدی غیرعادی بر اجتناب مالیاتی، منفی و با توجه به احتمال آماره t و p -value معنی دار است. این موضوع نشان می‌دهد مدل اقلام تعهدی غیر عادی محتوای اطلاعاتی دارد؛ به طوری که با افزایش اقلام تعهدی (هموارسازی) در شرکت‌ها، اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. همچنین هموارسازی سود رو به بالا و رو به پایین طبق مدل حاشیه سود-گردش دارایی‌ها تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی دارد، اما معنی دار نمی‌باشد. لذا مدل حاشیه سود /گردش دارایی‌ها محتوای اطلاعاتی ندارد. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده ۱۸ درصدی می‌توان گفت که ۱۸ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائیکه آماره دوربین-واتسون این مدل بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد (۱/۶)، می‌توان گفت که در این مدل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد (تأیید یکی از مفروضات رگرسیون). به علاوه نتایج نشان می‌دهد که p -value آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵٪ معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. با این تفاسیر فرضیه دوم این پژوهش پذیرفته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

اجتناب مالیاتی به عنوان راهکار کاهش میزان مالیات تعلق گرفته به سود حاصل از عملکرد واحدهای تجاری، زنجیره ایی از فعالیت‌ها و برنامه‌های استراتژیک کاملاً قانونی و پیش رونده در اخذ معافیت مالیاتی است که منجر به وجود آمدن فضای خاکستری در ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی و مالیاتی به افراد برون سازمانی می‌گردد؛ در نتیجه اجتناب از پرداخت مالیات، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولتهاست (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۵). لذا کشف رابطه هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی یکی از موضوعات با اهمیتی است که می‌تواند به بسیاری از سوالات مهم در این حوزه از تحقیق پاسخ دهد و از سوی تدوین کنندگان مقررات حسابداری و ناظران بر فعالیت‌های گزارشگری در بازار سرمایه و همچنین سرمایه گذاران از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. در این راستا فرضیه اول پژوهش به بررسی تأثیر مثبت و معنی دار هموارسازی سود بر اجتناب مالیاتی پرداخت. بر خلاف آنچه انتظار می‌رفت نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش نشان داد که در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هموارسازی سود تأثیر منفی و معنی داری بر اجتناب مالیاتی دارد که این موضوع مطابق با یافته های شیبانی تدرجی و همکاران (۱۳۹۷)، پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵)، هپ ورث (۱۹۵۳)، دسای و همکاران (۲۰۰۹) و مخالف با یافته های وانگ و همکاران (۲۰۱۲)، امیدو و همکاران (۲۰۱۹) می‌باشد. با توجه به آنچه اشاره شد انگیزه شرکتها برای هموار کردن سود حداقل نمودن تأثیر مالیات در طول زمان می‌باشد. همانطور که اشاره شد سود بیشتر منجر به پرداخت مالیات بیشتر می‌شود و در واقع سبب خروج نقدینگی می‌گردد و لذا مدیران تمایل دارند که در راستای حداقل نمودن خروج نقدینگی، از هموارسازی استفاده نمایند. از طرفی می‌توان این چنین استدلال نمود که هموارسازی سود می‌تواند به شرکت‌ها در تقویت وجه نقد کمک نماید و با افزایش وجه نقد و سود گزارش شده از این طریق، نیاز یک شرکت برای به انجام رساندن تقویت وجه نقد از طریق فعالیت های اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد.

از طرفی نتایج حاصل از فرضیه دوم این پژوهش ناکارآمد بودن مدل حاشیه سود-گردش دارایی‌ها را در تشخیص اجتناب مالیاتی نشان داد و این مدل‌ها به عنوان ابزارهای هموارسازی سود، قدرت شناسایی اجتناب مالیاتی در شرکت های ایرانی را دارا نمی‌باشند و در مقابل مدل اقلام تعهدی غیر عادی دارای محتوای اطلاعاتی بالاتری می‌باشد. از آنجایی که کاهش هزینه‌های مالیاتی از طریق هموارسازی سود می‌تواند شرکت های ایرانی را تشویق به فعالیت در اقتصاد رسمی نماید، لذا پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی برای جلوگیری از اجتناب های مالیاتی، به این مساله توجه بیشتری کند. همچنین به تحلیل‌گران و استفاده کنندگان صورت های مالی پیشنهاد می‌شود برای تشخیص راهکارهای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مدل اقلام تعهدی غیرعادی را بکار برند. جهت پژوهش های آتی پیشنهاد می‌شود موضوع پژوهش حاضر با مدل مدیریت سود واقعی به عنوان ابزاری دیگر از هموارسازی سود با دوره ای طولانی تر و به تفکیک صنایع انجام گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود از معیارهای تفاوت مالیاتی-حسابداری و نرخ موثر مالیاتی جهت اندازه گیری اجتناب مالیاتی استفاده شود و با نتایج این پژوهش مقایسه شود.

منابع و مراجع

- [۱] بهرامی، احمد، دستگیر، محسن (۱۳۹۴)، شناسایی مدیریت سود از طریق تغییر در گردش دارایی ها و حاشیه سود، پژوهش های تجربی حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۷
- [۲] پودینه، شیوا (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی با به موقع بودن اعلان سود سالانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی حکیم جرجانی
- [۳] پورحیدری امید، افلاطونی عباس، ۱۳۸۵، بررسی انگیزه های هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، بررسی های حسابداری و حسابرسی، تابستان، شماره ۴۴، صص ۷۰-۵۵
- [۴] جهرومی، مهتاب (۱۳۹۱)، شفافیت شرکت ها و اجتناب از مالیات، رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حسابداری از دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- [۵] حیدرپور، فرزانه، عرب مختاری، محمدعلی (۱۳۹۳)، تاثیر هموارسازی سود بر درآمد مشمول مالیات تعیین شده توسط جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی، فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره دهم
- [۶] خانی عبدالله، ایمانی، کریم، ملایی، مهنام (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، از صفحه ۶۱ تا صفحه ۷۸.
- [۷] دارایی، محسن، جنتی، مهناز (۱۳۹۵)، بررسی اثرات هموار سازی سود بر ارزش افزوده اقتصادی شرکتهای صنایع شیمیایی و دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، ۱۶۷ - ۱۹۱
- [۸] رحمانی، علی، اربابی بهار، زهرا (۱۳۹۲)، رابطه ی تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با مدیریت سود، پژوهش های تجربی حسابداری، سال سوم، شماره ۲۱
- [۹] زهی، نقی و محمدخانی، شهرزاد (۱۳۸۹)، بررسی فرار مالیاتی: مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی، پژوهشنامه مالیات، دوره جدید، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره نهم، مسلسل ۵۷
- [۱۰] سروستانی، امیر (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین ویژگی های شرکت و نوع مالکیت با نرخ موثر مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حسابداری از دانشکده مدیریت دانشگاه شهید باهنر کرمان
- [۱۱] شیبانی تذرجی، عباس، خدای پور، احمد (۱۳۹۷)، بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی-شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، دوره نهم، شماره ۲
- [۱۲] عباس زاده، محمدرضا، فدائی، مرتضی، مفتونیان، محسن، بابائی کلاریجانی، مائده (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکت ها (مطالعه موردی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، فصلنامه اقتصاد مالی، سال ۱۰، شماره ۳۵
- [۱۳] عباس زاده، محمدرضا، فدائی، مرتضی، مفتونیان، محسن، بابائی کلاریجانی، مائده (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکت ها (مطالعه موردی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، فصلنامه اقتصاد مالی، سال ۱۰، شماره ۳۵
- [۱۴] کرباسی یزدی، حسین، راسخ صالح، ثمن (۱۳۹۲)، رابطه اختلاف بین سود حسابداری و سود مآخذ محاسبه مالیات با رشد و پایداری سود، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال پنجم، شماره بیستم، از صفحه ۲۰۳ تا ۲۳۶
- [۱۵] مشایخی، بیتا، علی پناه، صبری (۱۳۹۴)، تاثیر راهبری شرکتی بر رابطه ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، مقاله ۴، دوره ۷، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۴، صفحه ۵۵-۷۰
- [۱۶] مقدم، عبدالکریم، احمدی نژاد، مصطفی، جوانمردی، سلطان (۱۳۹۱)، رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و پراکندگی بازده غیر عادی سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های تجربی حسابداری، سال اول، شماره ۳، صص ۱۹-۳۴

- [۱۷] مهرانی، ساسان، سیدی، سید جلال (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و اختلاف مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و چهارم
- [18] Agrawal. K. K. (2007). "Corporate Tax Planning". Vol. 1. Sixth edition. 3-11.
- [19] Amidu, Mohammed., COFFIE, WILLIAM., Acquah, Philomina (2019) "Transfer pricing, earnings management and tax avoidance of firms in Ghana", Journal of Financial Crime, <https://doi.org/10.1108/JFC-10-2017-0091>
- [20] Dechow, P. M., Sloan, R. G., Sweeney, A. P., 1995. Detecting earnings management. Account. Rev. 70, 193-225.
- [21] Desai, M., and Dharmapala, D. (2009), "Earnings management , corporate tax shelters, and book-tax alignment." National Tax Journal, Vol. 62, No.1, pp. 169–186.
- [22] Desai, M., Dharmapala, D., Fung, W. (2006). "Taxation and the evolution of aggregate corporate ownership concentration. In: Auerbach, A., Hines, J., Slemrod, J. (Eds.), Taxing Corporate Income in the 21st Century". Cambridge University Press, New York, 345–383.
- [23] Habib,Ahsan;Hossain,Mahmud and Jiang,Haiyan;(2011) Environmental Uncertainty and the Market Pricing of Earnings Smoothness«The Journal of Advance in Accounting, Incorporating advances in International Accounting, No 10,PP1-10.
- [24] Hanlon, M., and S. Heitzman. (2010). "A review of tax research." Journal of Accounting and Economics, 50 (2-3): 127–178.
- [25] Hepworth, S. R (1953), "Smooth Period Income", The Accounting Review, 12 ,pp. 32-39
- [26] Kothari, S. P., Leone, A. J., Wasley, C. E., 2005. Performance matched discretionary accrual measures. J. Account. Econ. 39, 163-197.
- [27] Razeghi, Seyedeh Ghazaleh, Amir Hosseini, Zahra (2016), The Investigation of the Relationship between the Value of Cash Holding and EVA Performance Evaluation of Companies Listed in Tehran Stock Exchange, Financial Management Strategy, 4(1): 123-139. (in persian)
- [28] Taylor, G., and Richardson, G. (2012), "International corporate tax avoidance practices: Evidence from Australian firms." International Journal of Accounting, Vol. 47, No.4, pp. 469–496.
- [29] Wang, Shiwei., Chen, Siyu (2012), The Motivation for Tax Avoidance in Earnings Management, International Conference on Engineering and Business Management